



مبارزه در نفت، تازه آغاز شده است



کارگران زحمتکش شرکت نفت در ادامه مبارزاتی که پرچم آن در تیرماه ۹۹ به اهتزاز درآمد و در مرداد ۹۹ به یک اعتصاب همزمان و فراگیر یک‌هفته‌ای در چندین پالایشگاه و شرکت نفت و گاز و حفاری و پتروشیمی فراروید، اخیراً نیز تجمعی را برای صبح روز شنبه ۴ بهمن ۹۹ در مقابل وزارت نفت سازمان داده بودند. این تجمع اما در همان مراحل اولیه، زمانی که حدود ۵۰ کارگر در محل حاضر شده و مشغول باز کردن بنرهای خود بودند، مورد یورش نیروهای امنیتی و انتظامی قرار گرفت. تعداد کثیری از نیروهای سرکوب که از قبل،

در صفحه ۳

ویروسی که بحران‌های نظم سرمایه‌داری را آشکارتر ساخته است

در سال‌های اخیر بحران‌های گوناگونی تمامی ابعاد زندگی بشر را در تسخیر خود گرفته‌اند: بحران اقتصادی، بحران سیاسی، بحران اجتماعی، بحران فقر و افزایش شکاف طبقاتی، بحران بیکاری، بحران آوارگی و پناهجویی، بحران آب و هوایی، بحران نژادپرستی، بحران تبعیض‌های جنسیتی و جنسی و تنش‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای و داخلی. بیهوده نیست که در سال‌های اخیر همراه با تشدید این بحران‌ها، در سراسر جهان با جنبش‌های اجتماعی معترض به یکی از این جنبه‌های این بحران‌ها یا کلیت نظم سرمایه‌داری حاکم روبرویم. اعتراضات و اعتصابات کارگری، اعتراضات معیشتی، اعتراضات محیط زیستی، اعتراضات به نژادپرستی، اعتراضات زنان به تبعیض‌های جنسیتی و برای دستیابی به حقوق خود، اعتراضات پناهجویان و... در میانه این بحران‌های گوناگون، شیوع اپیدمی کرونا، بحران سلامت را نیز بر مجموعه پیشین افزوده است. این اپیدمی در طی تقریباً یک سال (تا آخر ژانویه ۲۰۲۱) به ابتلای بیش از ۱۰۳ میلیون نفر و مرگ بیش از ۲ میلیون و ۲۲۶ هزار و ۴۵۶ نفر در سراسر جهان انجامیده است؛ آماري که به طور روزانه رو به افزایش است و با وجود کشف واکسن‌های گوناگون هنوز مهار آن در چشم‌انداز کوتاه‌مدت وجود ندارد.

لیکن این بیماری تنها سلامت و جان انسان‌ها را به مخاطره نیافکنده است، بلکه هم پیامدهای مهلک دیگری داشته و خواهد داشت و هم تضادهای عمیق نظامی را آشکار ساخته است که مسبب اصلی بروز تمامی این بحران‌هاست.

در پی گسترش کرونا، بسیاری آن را "ویروس برابری" نام گذاشتند چرا که همه را به یکسان مبتلا می‌کند، اما بسیار زود روشن گردید که این "ویروس نابرابری" است، چرا که طبق آمارهای منتشره در تمامی کشورها، تضادهای طبقاتی، جنسیتی و نژادی، موجب گردیده این ویروس بیش‌ترین قربانیان را از میان اقشار فقیر و آسیب‌پذیر بگیرد. در واقع این ویروس ژرفای نابرابری در سطح ملی را آشکار ساخت. از سوی دیگر، آمار ابتلا و مرگ در کشورها و مناطق فقیر (به نسبت جمعیت) در مقایسه با کشورهای ثروتمند، بیش از گذشته، نابرابری در سطحی جهانی را در معرض دید قرار داد. از دیگر بحران‌هایی که این ویروس برملا کرد، بحران سیستم‌های سلامت و بهداشت بود؛ بحرانی که در پی کاهش بودجه‌های دولتی در سیستم‌های خدماتی از جمله سیستم‌های بهداشتی پدید آمده است.

در صفحه ۲

ضرورت گسترش مبارزات پرستاران و اهمیت حمایت از آن‌ها

یکشنبه ۵ بهمن‌ماه پرستاران بیمارستان میلاد برای دومین بار در برابر بیمارستان دست به تجمع زده و به بی‌توجهی رؤسای بیمارستان به خواست‌های خود اعتراض کردند. پرستاران و بخش دیگری از کادر درمانی بیمارستان مرکزی شیراز نیز روز دوشنبه ۶ بهمن در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های عقب‌افتاده و عدم افزایش حقوق در داخل بیمارستان دست به تجمع زدند. به گزارش خبرگزاری "ایلنا" معترضان خواستار افزایش حقوق و کارانه و بهبود شرایط کاری خود هستند.

در صفحه ۵

فساد تمام ارکان نظم حاکم را فراگرفته است

تبدیل‌شده است. دستگاه قضائی رژیم که یکی از همین مراکز فساد، دزدی و رشوه‌گیری است، هر از چند گاه با جنجال و هیاهو خبر از محاکمه این یا آن فرد را می‌دهد، تا چنین وانمود کند که گویا با فساد مبارزه می‌کند. البته جدید نیست. این ماجرائی است که سال‌ها ادامه دارد و مردم ایران به‌خوبی می‌دانند که این ادعا یک دروغ و شیبادی بیش نیست. فساد در ایران تمام سیستم حاکم را فراگرفته، محدود به این یا آن فرد، این یا آن نهاد و ارگان نیست که بتوان با آن مبارزه کرد.

در هفته‌ای که گذشت، سخنگوی دستگاه قضائی خبر داد، مهدی جهانگیری برادر معاون روحانی

در صفحه ۶

کمزور کشوری را در جهان می‌توان سراغ گرفت که فساد مالی طبقه حاکم و دولت پاسدار منافع آن به پایه ایران برسد. پاسداران حکومت الله بر روی زمین، نمونه‌ای از رسواترین حکومت‌های فاسد را به جهانیان عرضه کرده‌اند. از یکسو زد و بند و فساد گسترده مالی میان دستگاه دولت و طبقه سرمایه‌دار و از سوی دیگر فساد بسیار فراگیر در درون خود دستگاه دولتی و تمام ارگان‌ها و نهادهای آن شامل دستگاه اجرائی، قضائی، مقننه، مذهبی و نظامی از طریق یک شبکه پیچیده مافیائی.

این فساد مالی در اشکال مختلف آن، چنان گسترشی یافته که به پدیده‌ای تقریباً عادی

"شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"

در صفحه ۱۰

ویروسی که بحران‌های نظم سرمایه‌داری را آشکارتر ساخته است

از همین‌روست که حتا در بسیاری از کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی میزان مرگ و میر جهش چشمگیری داشت. جهشی که عمدتاً در میان فقرا و ساکنین مناطق پرآزدحام یا حاشیبه‌نشین، یا مثلاً در آمریکا در میان جمعیت آفر-آمریکایی یا هیسپانیک یافت شد.

پیامد دیگر کووید ۱۹، تشدید رکود اقتصادی و بیکاری گسترده بوده است. در ماه مه سازمان ملل پیش‌بینی کرده بود اقتصاد جهان طی دو سال آینده ۵/۸ تریلیون دلار کاهش خواهد یافت و کاهش ۳/۲ درصدی ۲۰۲۰ شدیدترین دوران رکود از دهه ۱۹۳۰ بود. طبق گزارشی که آکسفورد در آستانه اجلاس داووس در ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱ به نام "ویروس نابرابری" منتشر کرده است، صدها میلیون نفر در سراسر دنیا در ۹ ماه گذشته شغل یا درآمدشان را از دست داده‌اند یا از ساعات کارشان کم شده است و بازگشت آنان به شرایط پیش از کرونا، به بیش از ۱۰ سال زمان نیاز دارد. در این گزارش آمده است، این بحران در ۹۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. اما در همین دوران بحران اقتصادی و گسترش و تعمیق فقر، بنا به گزارش آکسفام، ثروت ۱۰ تن از ثروتمندترین مردان سفیدپوست جهان، نیم تریلیون دلار افزایش داشته است. مبلغی که بنا به همین گزارش برای واکنش‌های تمام مردم دنیا و نجات دائمی آن‌ها از فقر کافی است. این امر، به آمریکا و اروپا نیز اختصاص نداشته است. ثروت میلیاردی‌های هندی در میانه صدور دستور شهرنبدان یا خانه‌نشینی (lockdown) ۳۵ درصد افزایش یافت، یعنی معادل ۳۴ میلیارد یورو، و پس از ثروتمندان آمریکا، چین، آلمان، روسیه و فرانسه در مقام ششم قرار گرفتند. آن هم در کشوری که در "اینکس جهانی گرسنگی" در وضعیت "جدی" قرار دارد و در میان ۱۰۷ کشور، رتبه ۹۴ را به خود اختصاص داده است. درآمد ساعتی تنها یکی از این ثروتمندان معادل ۱۰ میلیون یورو است، در حالی که درآمد ۲۴ درصد از مردم به زحمت به ۳۴ یورو در ماه می‌رسد.

کرونا، همان‌گونه که گفته شد بر نابرابری‌های زیادی دامن زده یا آن‌ها را تعمیق بخشیده است، از جمله نابرابری زنان. میلیون‌ها زن در مشاغل کم‌درآمد و رشته‌های آسیب‌دیده از کرونا شاغل‌اند. در گزارش آکسفام آمده است اگر تعداد مردان و زنان شاغل در این رشته‌ها برابر می‌بود، ۱۱۲ میلیون زن، کمتر در خطر بیکاری قرار می‌گرفتند. به این ترتیب زنان بیشتری به ورطه بیکاری و فقر و گرسنگی سقوط خواهند کرد. از آن گذشته زنان ۷۰ درصد شاغلین بخش‌های سلامت و بهداشت و تیمارداری را تشکیل می‌دهند که این باز هم بر خطر ابتلا و مرگ در میان آنان می‌افزاید. طبق گزارش‌های تمام کشورهای شهرنبدان موجب گردیده بر آمار خشونت‌های خانگی افزوده شود.

در پی تعطیلی مدارس، در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای فاقد زیرساخت‌های لازم برای آموزش مجازی، یا دانش‌آموزان فاقد دسترسی به فضای مجازی یا ابزار لازم، از دسترسی به آموزش محروم شده‌اند. باز بنا به گزارش آکسفام،

شاید ۲۰ میلیون دختر دبیرستانی دیگر نتوانند به تحصیل ادامه دهند. از پیامدهای کوتاه‌مدت بازماندگی از تحصیل، گسترش کودک‌همسری خواهد بود.

به جز سرمایه‌دارانی که تاکنون در دوران شیوع کرونا سودهای سرشاری برده‌اند، انتظار می‌رود، شرکت‌های دارویی نیز از درد و رنج مردم ثمرات مادی بسیاری ببرند. شرکت‌های دارویی از جمله پندام‌ترین رشته‌ها در میان مردم از نظر سودجویی هستند. در نظرسنجی مؤسسه "گالوپ" در سال ۲۰۱۹ در آمریکا، تنها ۲۷ درصد مردم نظر مثبتی نسبت به شرکت‌های داروسازی داشتند. این میزان در سال ۲۰۲۰ به ۳۴ درصد رسید و با این وجود در رده سوم محبوبیت از پایین قرار دارند. واقعیت نیز آن است که بیش‌ترین سود آنان از فروش داروهایست تا تحقیقات بر روی واکنش‌ها. برای مثال، شرکت‌هایی نظیر "نوراتیس"، "آسترازنیکا" و "سانوفی"، به علت سود انک، با وجود رشد خطر ناشی از مقاومت آنتی‌بیوتیکی از تحقیقات درباره آنتی‌بیوتیک‌ها دست کشیده‌اند. به همین دلیل نیز شرکت‌های دارویی در ابتدای شیوع کرونا تمایل چندانی به تحقیق در این زمینه از خود نشان نمی‌دادند تا آن که دولت‌ها در سرمایه‌گذاری و اختصاص بودجه پیش‌قدم شدند. در مجموع، طبق گزارش "شرکت تحلیل داده‌های علمی ایرفینیتی" دولت‌ها ۵/۶ میلیارد پوند به چندین شرکت دارویی برای تحقیقات بر روی واکنش پرداخت کرده‌اند. این رقم با احتساب کمک‌های مالی نهادهای غیرانتفاعی و افراد به بیش از ۱۷ میلیارد پوند می‌رسد. شرکت‌های آسترازنیکا، فایزر و مدرنا، برای تولید واکنش بیش از ۵ میلیارد دلار از دولت‌ها کمک گرفته‌اند. تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۲۱ تنها شرکت‌های فایزر و بیون‌تک سودی بالغ بر ۲۴ میلیارد دلار را نصیب خود سازند. به عبارت دیگر، مردم بخش بزرگی از هزینه‌های تحقیق بر واکنش‌ها را پرداخت کرده‌اند، اما سودهای ناشی از فروش واکنش‌ها نصیب شرکت‌های دارویی خواهد شد.

اکنون پس از گذشت بیش از یک سال از شیوع اپیدمی، چند واکنش به بازار عرضه شده است. اما نحوه توزیع این واکنش‌ها نیز تبدیل به یکی دیگر از جلوه‌های بارز تضادهای و شکاف‌های طبقاتی نظام سرمایه‌داری جهانی گشته است. درباره کووآکس در رسانه‌های جنجال زیادی برپا شد. کووآکس هدف خود را تهیه بیش از ۲ میلیارد دوز واکنش تا انتهای سال و توزیع ۱/۸ میلیارد دوز آن بین ۹۲ کشور فقیر تا انتهای سال ۲۰۲۱ قرار داده است. گفته می‌شود این مقدار واکنش برای واکنش‌های ۲۰ درصد جمعیت کفایت می‌کند. اما به گفته مقامات بهداشتی برای دستیابی به ایمنی جمعی، ۷۰ درصد از جمعیت کشورهای بایستی واکنش شوند. به این ترتیب سال‌ها طول می‌کشد تا جمعیتی که تخمین زده می‌شود ۸/۷ میلیارد نفرند، واکنش شوند. از سوی دیگر، کشورهای ثروتمند جهان، حتا اعضای کووآکس، با ۱۶ درصد جمعیت جهان، با انجام معاملات مستقیم با شرکت‌های داروسازی، ۶۰ درصد کل واکنش‌های جهان را خریده‌اند. بنا به گزارش دسامبر ۲۰۲۰ "اتلاف واکنش مردم" از هر ۱۰ نفر در تقریباً ۷۰ کشور فقیر جهان تنها یک

نفر در سال ۲۰۲۱ می‌تواند واکنش شود. در برابر تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته چندان واکنش خریده‌اند که می‌توانند چندین بار تمام جمعیت خود را واکنش کنند.

دکتر تروس آهانوم گیرسیوس، دبیر کل سازمان جهانی بهداشت، می‌گوید نزدیک به ۴۰ میلیون دوز به حداقل ۴۹ کشور پر درآمد داده شده است در حالی که به یکی از کشورهای فقیر تنها ۲۵ دوز داده شده است، "نه ۲۵ میلیون، نه ۲۵ هزار، بلکه فقط ۲۵ دوز" وی در ۱۸ ژانویه در جلسه هیئت مدیران این سازمان گفت: "جهان در آستانه یک شکست اخلاقی فاجعه‌بار است که بهای آن را انسان‌ها با جان و دارایی خود در کشورهای فقیر جهان خواهند پرداخت." دبیر کل سازمان ملل از "شکست همیستگي" سخن می‌گوید. یک نمونه آفریقای جنوبی است که از زمره کشورهای با درآمد میانه به شمار می‌رود. با آن که یکی از کارخانه‌های تولید واکنش در این کشور از ابتدای سال روزی یک میلیون واکنش تولید خواهد کرد، اما هیچ‌کدام از این واکنش‌ها تا نیمه سال به خود آفریقای جنوبی نمی‌رسد. اسرائیل که تاکنون بیش از یک چهارم جمعیت ۹ میلیون نفری خود را واکنش کرده است، حاضر نیست حتا فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی را واکنش کند، چه رسد به کمک به واکنش‌های ساکنین غزه و کرانه غربی.

در مسابقه‌ی جنون‌آسای کشورهای توسعه‌یافته برای خرید و انباشت واکنش، تنها رگه‌ای از نگرانی نسبت به سلامت و زندگی توده‌های مردم یافت می‌شود. چرا که آنان واقفانند غلبه بر اپیدمی کرونا و رهایی از شر این اپیدمی، در ابعاد ملی دست‌نیافتنی است و برای حفظ سلامت و جان مردم، این مبارزه باید ابعادی جهانی به خود گیرد. دغدغه‌ی اصلی را می‌توان در لابلای گزارش‌ها و سخنان سیاستمداران، مقامات اقتصادی و بهداشتی جهان سرمایه‌داری یافت: تأکید بر لزوم غلبه بر اپیدمی برای بازگشت رشد اقتصادی. چرا که منطق سود و سود هر چه بیش‌تر، تنها منطق سرمایه‌داری است.

این اولین باری نیست که آکسفام درباره افزایش نابرابری گزارش می‌دهد. در گزارش سال پیش همین مؤسسه، آمده است که "دارایی ۱ درصد مردم مرفه بیش از ۹۰ درصد کل دارایی‌های مردم جهان، یعنی ۹/۶ میلیارد نفر است." در همین گزارش آمده است روند کاهش فقر در جهان از سال ۲۰۱۳ به کندی گراییده است. پس، میزان نابرابری طبقاتی و افزایش فقر پدیدهای نیست که ناشی از شیوع کرونا و "بحران کرونا" باشد. بسیاری از سازمان‌های جهان سرمایه‌داری درباره افزایش مرگ و میر بر اثر فقر، بیش از مرگ و میر بر اثر کرونا و در دوران پساکرونا هشدار می‌دهند. با وجود این، هر سال در پایان گزارش‌های خود رامکارهایی ارائه می‌کنند که از "افزایش مالیات"، بخشش یا کاهش بازدریافت وام‌ها و سودهای ناشی از آن‌ها و جمع‌آوری صدقه فراتر نمی‌رود. چنین رامکارهایی، حتا اگر به اجرا درآیند، دردی را دوا نمی‌کنند. بحران‌های نظام سرمایه‌داری هر سال چنان پرشماتر و عمیق‌تر می‌گردد و این نظام چندان گنبدیده و ضد انسانی گشته که نیاز به دگرگونی بنیادی آن هر روز میرم‌تر می‌شود. دگرگونی‌ای که تنها از راه براندازی انقلابی این نظم و برقراری نظامی انسان‌گرا، عاری از استثمار و ستم و تبعیض میسر است. از راه برپایی یک انقلاب اجتماعی و برقراری سوسیالیسم.

مبارزه در نفت، تازه آغاز شده است



اعتصابات و اعتراضات تیر و مرداد و آذر سال جاری کارگران با جمله بندی دیگر و هر بار بخش هایی از آن عنوان شده بود و در فراخوان تجمع بهمن ماه به طور کامل و یکجا مطرح شد، البته همگی حائز اهمیت جدی هستند. نظر به اهمیت بیشتر برخی از این خواست ها و نقش آن در سازمان یابی اعتراضات و اعتصابات نفت و گاز و پتروشیمی، در اینجا روی چند تا از این خواست ها مکث کوتاهی می کنیم.

بهرغم آنکه فراخوان مجمع ۴ بهمن، توسط کارگران رسمی صادر شده بود، توجه و تأکید ویژه اما بر کارگران غیررسمی اعم از قراردادی یا پیمانی بود و اهم مطالبات نیز مطالبات همین گروه بزرگ کارگران نفت بود. لغو قوانین بردهوار مناطق ویژه اقتصادی و لغو قراردادهای موقت و پیمانی از جمله مهم ترین خواست های کارگران شرکت نفت است. این خواست در عین حال خواست بسیاری از کارگران در دیگر صنایع در کل کشور و به یک معنا خواست طبقه کارگر ایران نیز هست. درحال حاضر اکثریت بزرگ کارگران ایران با قراردادهای موقت و پیمانی کار می کنند. در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی بیش از ۱۰۶ هزار کارگر بصورت پیمانی کار می کنند که از لحاظ مزد و مزایا و شرایط کاری، در پایین ترین رده نیروی کار در این صنعت به شمار می روند و گاه حتی از بیمه تأمین اجتماعی و دفترچه بیمه نیز محروم اند. همچنین بیش از ۳۷ هزار کارگر قرارداد مدت موقت در این صنعت کار می کنند که شرایط کار و مزدشان تنها اندکی بهتر از کارگران پیمانی است و در کلیت خود وضعیت تقریباً مشابهی دارند. افزون بر این اغلب مناطق از جمله مناطق جنوب کشور که صنعت نفت و گاز و پتروشیمی در آن فعال است، جزء مناطق ویژه اقتصادی هستند. در این مناطق نزدیک به یک میلیون کارگر از جمله ۱۰۶ هزار کارگر پیمانی نفت مشغول به کار هستند که نوع قرارداد، ساعات کار، دستمزد و شرایط کار و غیره را به طور یکجانبه کارفرما تعیین می کند. کارگران این مناطق درحالی که به شدت استثمار می شوند، حتی از شمول قانون کار رژیم نیز خارج هستند. کارگران پیمانی و قراردادی مدت موقت نفت که در اعصاب فراگیر و سراسری مرداد ۹۹ خواهان تبدیل وضعیت خود از قراردادی و پیمانی به دائمی و رسمی شده بودند، در تجمع بهمن ماه خویش نیز بار دیگر

صندوق نفت، بهبود وضعیت بهداشت و درمان، تخصیص وام، رفع مشکلات کارکنان رسمی شاغل در شرکت های واگذار شده، تشکیل شورای اداری و استخدامی جهت اصلاحات مورد نیاز برای اجرای کامل ماده ده... چنین آمده است" همچنین از بقیه همکاران اعم از بازنشستگان گرمی، ایثارگران عزیز و سایر همکاران رسمی خانواده نفت که به دلیل موارد ذکر شده بالا تمایل به شرکت در گردهمایی تاریخ چهارم بهمن ماه دارند دعوت می شود جهت همفکری و هماهنگی بیشتر به جمع گروه افکار ببینند."

چند روز بعد از انتشار این بیانیه که ابتکار آن در دست کارکنان رسمی و تکیه و ثقل اصلی آن خواست های کارکنان رسمی وزارت نفت بود، فراخوان دیگری انتشار یافت که جامع تر و کامل تر بود. این فراخوان با عنوان "فراخوان کارگران رسمی نفت به تجمع بزرگ سراسری"، خواست هایی را مطرح نمود که نه فقط نشان از اتحاد و هماهنگی میان نیروی کار رسمی یعنی کارکنان و کارگران رسمی نفت بود، بلکه حاکی از اتحاد و هماهنگی میان نیروی کار رسمی با کارگران غیررسمی، قرارداد مدت موقت و کارگران پیمانی بود. در این فراخوان علاوه بر اهم مطالبات مطرح شده در فراخوان قبلی، بر خواست های کارگران غیررسمی به ویژه کارگران قراردادی و کارگران پیمانی که جمعیتی بیش از ۱۴۰ هزار نفر را در شرکت نفت و گاز و پتروشیمی تشکیل می دهند تأکید شده که در عین حال به روشنی ثقل کارگری فراخوان را نیز نشان می دهد.

اهم این خواست ها عبارتند از: لغو قوانین بردهوار مناطق ویژه اقتصادی، کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قراردادهای موقت و پیمانی، افزایش مزد به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، افزایش مزد متناسب با نرخ تورم، پرداخت به موقع دستمزد، پایان دادن به چپاول ها و دزدی ها تحت عنوان خصوصی سازی، امنیت شغلی، توقف اخراج ها، بهبود وضعیت بهداشت و درمان، درمان رایگان برای همه کارگران نفت، اجرای پروتکل های سازمان بهداشت جهانی در مقابله با بیماری خطرناک کرونا، ایمنی محیط کار، بالا بردن استاندارد شرایط زیستی و کاری کارگران، تشکیل شورای اداری و استخدامی نفت جهت اصلاحات مورد نیاز برای اجرای کامل ماده ده و تعلق برخی مزایا به کارگران، ابطال اساسنامه تحمیلی صندوق نفت، پایان دادن به تحمیل مالیات های سنگین و تصاعدی بر مزد کارگران، پایان دادن به امنیت کردن محیط کار و هر نوع پرونده سازی امنیتی برای کارگران معترض و در پایان این لیست نیز تأکید شده است که تشکل، اعتصاب، تجمع از حقوق پایه های همه کارگران است. این خواست های نیروی کار نفت که در تجمعات،

محل را به اشغال خویش درآورده بودند، کارگران را مورد حمله قرار دادند و از باز شدن بنرها جلوگیری کردند. نیروهای امنیتی و انتظامی ضمن ایجاد تشنج و درگیری، ۲۰ تن از کارگران را بازداشت و با ون های پلیس که از قبل در محل آماده بودند، به دو کلانتری منتقل کردند. کارگران دستگیر شده را البته بعد از ساعت ها بازداشت و پیگیری هایی که برای آزادی آن ها انجام شد، با اخذ تعهد آزاد کردند. تجمع کارگران نفت در روز ۴ بهمن در واقع به دنبال فراخوانی که حدود دو هفته قبل از آن صادر شده بود، سامان گرفت. در این روز نزدیک به ۸۰۰ تن از کارگران و کارکنان



صنعت نفت خود را به کوچه ها و خیابان های اطراف محل تجمع رسانده بودند که با برخورد های وحشیانه و خشونت بار نیروهای سرکوب و ممانعت از تردد و ورود کارگران و کارکنان به محل، مانع برگزاری این تجمع مسالمت آمیز کارگری شدند. خیر این تجمع اعتراضی نیز طبق معمول با سکوت و بایکوت کامل روزنامه ها و سایر رسانه های دولتی روبرو شد. افزون بر آن، این حرکت اعتراضی متأسفانه آن طور که باید و شاید در رسانه های چپ نیز انعکاس نیافت. بهرغم برخورد خشن و سرکوبگرانه دستگاه امنیتی و انتظامی با کارگران نفت و بهرغم بایکوت خبری این تجمع اعتراضی، این اقدام کارگران مبارز نفت اما تأثیرات خود را برجای گذاشت و بخش زیادی از وظایف خود را انجام داد.

جمعی از کارکنان رسمی نفت متشکل در گروهی بنام "گروه افکار" با انتشار بیانیه ای ضمن ارائه توضیحی کوتاه در مورد این گروه، خواست های کارکنان رسمی نفت را در ۹ بند فرموله و فراخوان تجمع را صادر کرده بود. در بیانیه گفته شده "ما کارکنان رسمی اعضای گروه افکار که در حال حاضر متشکل از حدود پنج هزار کارمند نفت هستیم و قطعاً طی روزهای آینده بیشتر و بیشتر خواهیم شد، از این لحظه به صورت رسمی اعلام می کنیم به دلایل ذکر شده زیر اقدام به گردهمایی عظیم مورخه چهارم بهمن ماه خواهیم نمود." در این بیانیه بعد از طرح خواست هایی مانند ابطال اساسنامه تحمیلی

مبارزه در نفت، تازه آغاز شده است



خواهان لغو این قراردادهای و قوانین برده‌وار ناظر بر آن شدند.

پس از اعتراضات باشکوه کارگران و کارکنان نفت در تیر و مرداد ۹۹، مسئولین شرکت نفت از جمله "فرزین مینو" معاون منابع انسانی وزارت نفت، وعده‌هایی در زمینه تبدیل وضعیت کارگران پیمانی (شرکتی) داد. اما به‌زودی معلوم شد که وی با توسل به نیرنگ و فریب، جز دروغ و مشت‌و وعده توخالی چیزی به کارگران نداده است. از همین رو این شخص در حال حاضر مورد نفرت شدید و عمیق کارگران است.

در مورد ۳۷ هزار کارگر قراردادی نیز تقریباً همین ماجرا تکرار شد. بجای دائمی کردن این کارگران، قرار شده از طریق آزمون و قبولی در آن، قرارداد موقت و یک‌ساله درصد کوچکی از کارگران قراردادی مدت موقت را به ۳ تا ۵ سال تبدیل کنند. نفت آنلاین سوم بهمن‌ماه اعلام کرد: جهت افزایش امنیت شغلی کارکنان قراردادی مدت موقت صنعت **نفت**، بررسی و تدوین طرح افزایش مدت‌زمان قرارداد کارکنان قراردادی مدت موقت به ۳ و ۵ سال در دستور کار قرار گرفت. این طرح در آینده‌ای نزدیک اجرا خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر مقامات وزارت نفت تا اینجا جز وعده، چیزی به کارگران نفت نداده‌اند و بدیهی است که خواسته‌های فوق به‌ویژه تبدیل وضعیت کارگران پیمانی و قراردادی به رسمی، کماکان جزء خواسته‌های مبرم و فوری اکثریت بزرگ کارگران نفت باشد که در فراخوان تجمع نیز به نحو بارزی انعکاس داشت.

طرح خواست مزد ۱۲ میلیون تومانی بالای خط فقر، به‌ویژه در شرایطی که در شورای عالی کار رژیم نیز بحث تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۰ مطرح است، یک خواست منطقی بجا و به‌موقع است که این بار در اعلام آن، کارگر نفت زودتر و جلوتر از سایر کارگران و تشکلهای کارگری ظاهر شد و خشت اول را گذاشت. افزایش مزد متناسب با نرخ تورم، پرداخت تمام مطالبات معوقه، پرداخت به‌موقع دستمزدها و سرانجام اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید زیر خط فقر باشد، همچنین توقف اخراج‌ها و بیکارسازی‌ها، بهبود وضع بهداشت و درمان و امکانات درمان رایگان برای همه کارگران، ایمنی محیط کار و اجرای پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی برای مقابله با بیماری کرونا... همه و همه، خواسته‌های عموم کارگران‌اند که بر زبان نفت جاری شده‌اند.

افزون بر این، دو خواست سیاسی و برجسته درمیان مجموعه خواسته‌های کارگران نفت، در شرایط کنونی حائز اهمیت جدی است. به‌ویژه در شرایطی که رژیم حاکم سعی کرده است با سرکوب و بازداشت و پرونده‌سازی، کارگران پیشرو، نمایندگان و فعالان کارگری را مرعوب و از صحنه خارج سازد. طبقه حاکم سعی کرده است با ایجاد فضای امنیتی و شبه‌نظامی و سربازخانه‌ای، مانع اعتراض و اعتصاب شود و هر زمان که اعتراض و اعتصابی سازمان‌یافته، با دستگیری، احضار، بازداشت، تهدید و پرونده‌سازی برای کارگران پیشرو و فعالان اعتصاب، سعی کرده است کارگران را بت‌رساند

و مانع اعتراض و اعتصاب شود. نمونه‌های فراوانی از این‌دست را در هفت‌تپه، فولاد، هپکو و آذر آب شاهد بوده‌ایم. از این‌رو، پایان دادن به امنیتی کردن محیط کار و هر نوع پرونده‌سازی امنیتی برای کارگران، یکی از خواسته‌های سیاسی مهم نه‌فقط در نفت، بلکه در پتروشیمی گاز و حفاری و سایر صنایع نیز هست.

خواست سیاسی بسیار مهم دیگر کارگران نفت تشکل است. کارگران نفت به تجربه دریافته‌اند که باید خود را در تشکلهای مستقل خویش متشکل سازند. سرمایه‌داران و دولت آن‌ها از آنجاکه از تفرق و پراکندگی و بی تشکلی کارگران سود می‌برند، همواره با متشکل شدن کارگران مخالفت نموده و در برابر متشکل شدن کارگران مانع ایجاد می‌کنند. در شرکت نفت، آگاهانه و عمدانه کارگران را به گروه‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند تا مانع اتحاد کارگران شوند. تقسیم کارگران به رسمی، پیمانی و قراردادی و دامن زدن به تبعیض و اختلاف میان آن‌ها، نه‌فقط از این بابت که کارفرما و سرمایه‌دار کارگر را بیشتر استثمار می‌کند و مزد و مزایای کمتری به کارگر می‌دهد مطلقاً به سود سرمایه‌دار است، بلکه از این‌جهت که میان کارگران نفاق و رقابت و چنددستگی ایجاد می‌کند و مانع اتحاد و یکپارچگی کارگران می‌شود نیز صد در صد به سود سرمایه‌داران و کل طبقه حاکم است. فراخوان تجمع ۴ بهمن و تنظیم لیست خواسته‌ها که مجموعه‌ای از خواسته‌های کارگران اعم از رسمی، پیمانی یا قراردادی است و تأکید ویژه روی خواسته‌های پرشمارترین بخش کارگران نفت نشان داد که کارگران پیشرو نفت نیز از نقشه‌های شوم سرمایه‌داران و دولت آن‌ها بی‌اطلاع نیستند و با تاکتیک‌های هوشیارانه مبارزاتی خود می‌توانند این نقشه‌ها را نقش بر آب کنند.

در مورد تشکل نیز کارگران نفت در زمره قدیمی‌ترین و باتجربه‌ترین کارگران هستند که نه‌فقط اهمیت تشکل و فعالیت و مبارزه متشکل را می‌دانند، بلکه خود نیز در مقاطع مختلف و با توجه به شرایط، مناسب‌ترین و مؤثرترین تشکل‌ها را سازمان داده‌اند. "گروه افکار" که با صدور فراخوان اولیه اعلام کرد ۵ هزار کارگر رسمی عضو آن است، گرچه تا این لحظه چندان

شناخته‌شده نیست، اما می‌تواند نمایانگر گوشه‌ای از تلاش‌های کارگران شرکت نفت برای ایجاد تشکل باشد. اما صرف‌نظر از این مسئله، اعتصابات نفت در سال جاری (۹۹) به‌ویژه اعتصاب فراگیر و همزمان چندین پالایشگاه و شرکت‌های نفت و گاز و حفاری و پتروشیمی و پیوستن چندین نیروگاه برق به این اعتصاب، به‌روشنی نشان داد که در نفت گام‌های اولیه برای ایجاد تشکل به‌ویژه یک تشکل هماهنگ‌کننده مبارزات نفت و پتروشیمی برداشته شده است. وظیفه کارگران آگاه و پیشرو نفت است که برای پاکبازی و صیقل یابی این تشکل نطفه‌ای هماهنگ‌کننده، گام‌های دیگری به‌پیش بردارند، شورای هماهنگی کارگران نفت را برپا و تشکل مستقل خویش را پایه‌ریزی کنند.

بهرغم سرکوب تجمع کارگران نفت در تجمع ۴ بهمن و ممانعت از برگزاری آن، اما با فراخوان تجمع و طرح خواسته‌ها، گام مهمی در راستای اتحاد میان کارکنان و کارگران رسمی و مهتر از آن گام بسیار مهمی در جهت اتحاد و هماهنگی میان کارگران رسمی با کارگران پیمانی و قراردادی برداشته شد. سیر حرکت و مبارزه کارگران نفت در سال جاری، یک سیر تکاملی در همین جهت بوده است. مبارزه در نفت، تازه آغاز شده است. کارگران نفت به‌خوبی دریافته‌اند که برای تحقق هر مطالبه خود، باید اعتراض و اعتصاب را سازمان دهند. نفت باید برای ایفای رسالت و نقش بی جایگزین خود در جنبش طبقاتی کارگران، خود را آماده و تجهیز کند.



ضرورت گسترش مبارزات پرستاران و اهمیت حمایت از آن‌ها

پرستاران و بخش دیگری از شاغلین بیمارستان خمینی کرج نیز در هفته‌های گذشته چندین بار نسبت به عدم پرداخت حقوق و دیگر مزایای خود تجمع اعتراضی برپا کردند. در ماه‌های گذشته پرستاران در برخی از شهرها دست به تجمعات اعتراضی زده بودند که برجسته‌ترین آن تجمع پرستاران دانشگاه علوم پزشکی مشهد در برابر دادگستری این شهر در روز ۱۱ تیرماه بود که با تهاجم وحشیانه نیروهای پلیس جمهوری اسلامی روبرو شده و ده تن از آن‌ها بازداشت شدند.

بیمارستان میلاد تهران که در روزهای گذشته دو بار شاهد تجمع پرستاران بود، بزرگترین بیمارستان متعلق به سازمان تامین اجتماعی در کشور است، اما این بیمارستان با تصمیم مدیران این سازمان به صورت "شرکتی" اداره می‌شود، و بدین ترتیب مدیران بیمارستان با سوء استفاده از این مساله و با بیان این‌که بیمارستان مستقل از سازمان تامین اجتماعی اداره می‌شود و بودجه‌ای از سوی این سازمان دریافت نمی‌کند، از افزایش حقوق پرستاران خودداری کرده و مزایای آن‌ها همچون حق کرونا را پرداخت نمی‌کنند. مدیرعامل بیمارستان در پاسخ به خبرنگار "اعتمادآنلاین" می‌گوید: "درآمد بیمارستان به گونه‌ای نبوده که بتوان حق کرونا به پرستاران پرداخت کرد. در مورد افزایش دستمزد نیز مساله به همین ترتیب است."

پرستاران بیمارستان میلاد خواستار افزایش سالانه دستمزد براساس قانون کار، افزایش ۵۰ درصدی دستمزد که از دی‌ماه شامل حال پرستاران رسمی در بیمارستان‌های دولتی شده و تبدیل قراردادهای موقت به قرارداد رسمی و دائمی هستند.

پرستاران مانند کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه همچون معلمان، بازنشستگان و غیره با مشکلات عدیده‌ی معیشتی و کاری روبرو هستند. یکی از مهم‌ترین مشکلات پرستاران حقوق و یا دستمزد دریافتی‌شان است. اگرچه به‌گفته‌ی تقوی‌نژاد معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت بهداشت قرار بود از دی‌ماه ۵۰ درصد به حقوق پرستاران اضافه شود اما در عمل این افزایش حقوق به اعتراف مقامات دولتی تنها شامل بخشی از پرستاران گردید.

به‌گفته‌ی شریفی مقدم دبیرکل تشکل دولتی "خانه پرستار" افزایش ۵۰ درصدی حقوق به بخشی از پرستاران تعلق گرفته که استخدام رسمی هستند و معادل دو میلیون تومان است و نیمی از پرستاران که پرستاران شرکتی هستند مشمول این افزایش نشده‌اند.

حقوق و یا دستمزد پرستاران نه فقط در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی و یا پرستاران شرکتی که در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی کار می‌کنند متفاوت است، بلکه در هر

بیمارستان نیز شاهد تفاوت حقوق و یا دستمزد پرستاران هستیم. در گزارشی که خبرگزاری دولتی "ایلنا" به تاریخ ۳۰ آذر تهیه کرده بود، یک پرستار شاغل در بخش خصوصی آذربایجان شرقی با ۱۷۶ ساعت کار در ماه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کرد.

همچنین یک پرستار شاغل در بخش خصوصی در تهران نیز دستمزد پرستاران شاغل در بخش خصوصی را ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بیان کرده بود.

گفتنیست که دستمزد پرستاران شاغل در بیمارستان‌های خصوصی، براساس قانون کار است و بسیاری از آن‌ها تنها با سابقه‌ی کاری چندین ساله حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند. ۷۰ هزار پرستار تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی قرار دارند که از این تعداد ۱۶۵۰۰ تن از آن‌ها در مراکز درمانی تامین اجتماعی مشغول به کار هستند (براساس آمارهای رسمی تعداد کل پرستاران شاغل در بیمارستان‌ها و دیگر مراکز درمانی حدود ۲۰۰ هزار نفر می‌باشد).

اما جدا از این ۷۰ هزار پرستار، پرستارانی نیز هستند که به آن‌ها شرکتی و یا خرید خدماتی گفته می‌شود و با قراردادهای ۸۹ روزه به کار گمارده می‌شوند. به‌گفته‌ی علی حسین‌پور دهکردی رئیس "خانه پرستار استان چهارمحال و بختیاری" ۲۴ درصد کل پرستاران به صورت شرکتی و خرید خدمات مشغول به کار هستند. عموم بیمارستان‌های دولتی و خصوصی برای تامین کادر پرستاری خود با شرکت‌های پیمانکار قرارداد می‌بندند و این شرکت‌ها نیز پرستاران را با دستمزدی بسیار پایین و به صورت ۸۹ روزه استخدام می‌کنند تا بدین ترتیب سنوات و عیدی نیز به آن‌ها تعلق نگیرد. دستمزد پرستاران شرکتی نیز بسیار متفاوت است. ۷ دی‌ماه سال گذشته "دبیر اجرایی خانه کارگر آمل" حتی از پرستارانی خبر داده بود که در ازای صد ساعت کار تنها ۷۰۰ هزار تومان دستمزد می‌گیرند که از این مبلغ نیز ۲۲۰ هزار تومان بابت بیمه کسر می‌شده است!!!

فاطمه تیموری مدیر دفتر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین با بیان این‌که حقوق پرستاری که تازه به استخدام بیمارستان دولتی درآمده ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است، گفت: "پایه حقوق یک پرستار شرکتی با هر سابقه‌ای، ۸ تا ۱۰ ساله، ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است."

یکی از مشکلات مهم پرستاران که در اعتراضات آن‌ها نیز منعکس است نوع قراردادهای آن‌هاست. به گفته‌ی شریفی مقدم "وزارت بهداشت و درمان هر سال تعداد نیروهای رسمی خود را کاهش می‌دهد و پرستاران شرکتی را به کار می‌گیرد." این همان

سیاستیست که جمهوری اسلامی در آموزش و پرورش نیز به کار گرفته است. دولت با این سیاست که با هدف اختصاص بودجه کمتر به بهداشت و درمان و کشاندن باز هم بیشتر پای سرمایه‌داران به مراکز درمانی کشور است، نه فقط کیفیت ارائه خدمات پزشکی را کاهش می‌دهد، بلکه ضمن افزایش فشار کاری بر پرستاران، آن‌ها را به فقری بیشتر محکوم می‌کند. در حالی که هم‌اکنون نیز نسبت به استانداردهای جهانی بیمارستان‌های ایران با کمبود شدید پرستار روبرو هستند، باز کردن پای پیمانکاران به بیمارستان‌ها نتیجه‌ای جز افزایش فشار کاری بر پرستاران برای سود بیشتر پیمانکاران نداشته است.

برای نمونه در همین شرایط کرونایی و در حالی که پرستاران در خط مقدم مبارزه با ویروس کرونا قرار دارند، صاحبان بیمارستان‌های خصوصی و شرکت‌های پیمانی با افزایش ساعات کار موظف پرستاران، فشار کاری را بر آن‌ها افزایش داده‌اند. یک بیمارستان بخش خصوصی در اصفهان ساعات کار موظف پرستاران را که پیش از کرونا ۱۷۵ ساعت بود به ۲۱۰ ساعت افزایش داد بدون آن‌که بر دستمزد آن‌ها بیافزاید. یک بیمارستان خصوصی در آذربایجان شرقی نیز ساعات کاری موظف پرستاران را به ۲۰۰ ساعت و یک بیمارستان خصوصی در تهران به ۱۸۵ ساعت افزایش داده‌اند، بدون یک ریال افزایش دستمزد. حتی در برخی از بیمارستان‌ها لوازم مورد نیاز برای پیشگیری از ابتلا به کرونا به طور محدود در اختیار پرستاران قرار می‌گیرد و پرستاران مجبور می‌شوند تا با دستمزد خود کمبودها را از بازار آزاد جبران کنند. این در حالیست که اگر یک پرستار بخش خصوصی به کرونا مبتلا شود، به او مرخصی استعلاجی تعلق نگرفته و تمام مدتی که به دلیل کرونا قادر به کار کردن نباشد به‌عنوان غیبت از دستمزد او کاسته می‌شود!!! و این همه جدا از آن است که در صورت ابتلا به کرونا، بسیاری از هزینه‌های درمان را نیز پرستاران باید از جیب خود بپردازند!!!

فشار کاری یکی دیگر از معضلات پرستاران است. تاکنون بارها اخباری از ایست قلبی و درگذشت پرستاران در حین کار منتشر شده است که همگی نتیجه استرس و فشار بالای کار پرستاران در بیمارستان‌ها است. یک نمونه درگذشت مهناز مستعدی در روز جهانی پرستار (۲۳ اردیبهشت برابر با ۱۲ ماه مه) بود. او که پرستار بخش "آی سی یو" بیمارستان لبافی نژاد بود در بیمارستان و در زمان استراحت شیفت کاری خود و در حالی که برای لحظاتی به خواب رفته بود، بر اثر ایست قلبی جان باخت. همان

در صفحه ۷

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

فساد تمام ارکان نظم حاکم را فراگرفته است

که رئیس «گروه مالی گردشگری» با پنج هلدینگ «بانکداری»، «گردشگری»، «صنعت ساختمان»، «نفت و گاز و پتروشیمی» و «صنعت و معدن» است، به جرم قاچاق ۶۰۷ هزار یورو و ۱۰۸ هزار دلار در مجموع به دو سال حبس و جریمه نقدی محکوم شد. به تمام معنا مسخره است کسانی که میلیاردها دلار ثروت این کشور را بالا کشیده‌اند، دستگاه قضائی ادعای مبارزه با فسادش را بر سر قاچاق ۶۰۰ هزار یورو اعلام می‌کند. جالب اینجاست که همین فرد در حالی که پرونده وی در جریان بود در آبان ماه، یک قرارداد ۲۰ هزار میلیارد تومانی با قرارگاه خاتم‌الانبیا وابسته به سپاه پاسداران امضا کرد. پیش‌ازین، برادر روحانی، حسین فریدون نیز، به اتهام اخذ رشوه به پنج سال حبس قطعی محکوم شده بود. در همین هفته، خبر از محکومیت رئیس پیشین سازمان خصوصی‌سازی، میرعلی اشرف پوری حسینی که سال‌ها مجری فرامین رژیم در واگذاری مفت و مجانی اموال عمومی به افراد خاص تحت عنوان واگذاری به بخش خصوصی بوده است، به ۱۵ سال زندان محکوم شد، البته این حکم هنوز قطعی نیست. اتهام وی «تخلف در واگذاری‌ها بدون رعایت تشریفات قانونی» در گروه ماشین‌سازی تبریز، مجتمع کشت و صنعت و دامپروری مغان، شرکت بین‌المللی مهندسی ایران ایرپتک، شرکت حمل‌ونقل خلیج فارس، اعلام شد. به‌رغم این‌که گروهی از نمایندگان مجلس ارتجاع، خواستار محاکمه علنی وی شدند، دستگاه قضائی آن را نپذیرفت و متهم در یک دادگاه غیرعلنی محاکمه شد. دلیل آن نیز پوشیده نیست. در این به اصطلاح دادگاه‌های فساد مالی که کشمکش میان جناح‌های رقیب است، پای بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی و ارگان‌ها و نهادهای آن به میان می‌آید که نباید علنی شود. آنچه از این دادگاه علنی شد، این بود که متهم، پوری حسینی اظهار داشت: «صرف‌نظر از اینکه مواردی نظیر اهمال یا تضییع یا عدم رعایت تشریفات قانونی در فرایند واگذاری‌ها صحت دارد یا خیر، باید بگویم که در این فرایندهای انجام‌شده هیچ فعلی بر خواسته از دستور یا اقدام من وجود ندارد. بنابراین هیچ‌یک از اتهامات را قبول ندارم.» این‌که دستور یا اقدام چه کسانی بوده، کاملاً مسکوت ماند.

در هفته گذشته همچنین خبر از بازداشت ۸ نفر دیگر در خصوص پرونده تخلفات مالی و ساختمانی در شهرداری آبسرد انتشار یافت که تاکنون در این پرونده مجموعاً ۲۶ نفر بازداشت شده‌اند. سه عضو شورای شهر

آبسرد، شهردار، یک دهیار، ۵ پیمانکار، و ۱۶ نفر از کارمندان شهرداری آبسرد. پیش از آن نیز خبر دستگیری شهرداران مناطق ۲ و ۸ تهران با اتهامات مالی انتشار یافته بود. تا همین‌جا آشکار است که در اینجا نه مبارزه با فساد، بلکه یک تسویه‌حساب جناحی در جریان است و تمام این پرونده‌ها، بازداشت‌ها و محکومیت‌ها مربوط به یک جناح حکومت‌اند.

فساد مالی اما نه به این افراد ختم می‌شود و نه این یا آن جناح، بلکه پدیده‌ای ذاتی در تمام ساختار و سیستم نظم حاکم بر ایران است. این واقعیتی است که در تمام کشورهای سرمایه‌داری به درجات مختلف، فساد مالی وجود دارد، اما تنها در کشورهایی این فساد به کمال خود می‌رسد که سیستم سیاسی استبدادی هرگونه کنترلی را حتی در شکل بورژوازی آن از میان برده باشد. جمهوری اسلامی در ایران یک نمونه کم‌نظیر از این دولت‌های استبدادی است. در ایران، یک دیکتاتور افسارگسیخته به نام ولی‌فقیه در رأس نظام قرار گرفته که علاوه بر قدرت سیاسی، در رأس یک امپراتوری مالی قرار گرفته که هیچ‌کس جز خود او حق دخالت در آن را ندارد. «ستاد اجرایی فرمان امام» یک نمونه آن است. هیچ‌کس از حجم دارائی‌هایی که در اختیار اوست، خبر ندارد. درآمد سالانه او چقدر است و چگونه هزینه می‌شوند، این نیز پوشیده و پنهان است. گفته می‌شود که علی خامنه‌ای، مالک بیش از ۵۰ شرکت در نفت، گاز و پتروشیمی، کشاورزی، صنعت، معدن، دارو و ساختمان است. چند سال پیش خبرگزاری رویترز با استناد به منابع مختلف، ارزش دارایی‌های «ستاد اجرایی فرمان امام» را حدود ۹۵ میلیارد دلار تخمین زده بود. علاوه بر این، «استان قدس»، «بنیاد مستضعفان»، «قرارگاه خاتم» و ده‌ها موسسه کوچکتر نیز تحت کنترل وی هستند و جز به او به کسی حساب پس نمی‌دهند. به دستور وی این موسسات حتی از پرداخت مالیات نیز معاف شده‌اند. آن‌ها مالک بیش از ۳۰۰ شرکت در عرصه‌های مختلف صنعتی، مالی، کشاورزی‌اند. چند سال پیش، وال استریت ژورنال، ارزش مالی بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام و استان قدس رضوی را مجموعاً ۲۰۰ میلیارد دلار ارزیابی کرده بود.

پوشیده نیست که تمرکز این همه سرمایه و ثروت در دست یک فرد و گماشتگان او نمی‌تواند چیزی جز یک کانون فساد گسترده باشد. فساد از همین جا به عنوان یک الگو به سراسر سیستم بسط می‌یابد. در رده بعدی سیستم فساد، دستگاه اجرایی و در رأس آن،

کابینه‌ها و مدیران دستگاه اجرایی قرار گرفته‌اند که با تکیه بر درآمدهای سالانه ده‌ها میلیاردی نفت، واگذاری مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، مبالغ کلانی از این درآمد را از طریق زد و بند با سرمایه‌داران، دزدی و رشوه به جیب می‌زنند.

مجلس رژیم استبدادی یکی دیگر از نهادهای جمهوری اسلامی است که وابستگان به رژیم با حضور در آن می‌توانند در دزدی‌ها و سوءاستفاده‌ها سهیم شوند. از همین روست که بر سر هر انتخاباتی، گروه‌های رقیب می‌کوشند با صرف هزینه‌های کلان و پرداخت رشوه به مقامات اجرایی، دستگاه مذهبی، به‌ویژه سران این نهاد و امامان جمعه به درون این مجلس راه پیدا کنند و به محض ورود هزینه‌های خود را با زد و بندهای مالی و سهیم شدن در دزدی جبران کنند و میلیاردها تومان به جیب بزنند. مکرر، پرونده‌های بسیاری از این فساد در ادوار مختلف این مجلس برملا شده است. اکنون دیگر در رأس این نهاد، قالی‌باف قرار گرفته است که پرونده‌های کلان دزدی و زدوبندهای مالی او از مدت‌ها پیش برملا شده است.

دستگاه قضائی یکی دیگر از ارگان‌های دولتی است که بیشترین رشوه‌خواری در درون آن صورت می‌گیرد. این رشوه‌خواری فقط محدود به قضات این دستگاه در منازعات افراد و شرکت‌های خصوصی نیست، بلکه در بالاترین سطوح آن زد و بند و رشوه‌خواری‌های کلان صورت می‌گیرد. از آنجائی که روسای دستگاه قضائی گماشته مستقیم خامنه‌ای‌اند و به کسی جز او پاسخگو نیستند، کسی نمی‌تواند بر این دستگاه فاسد کمترین کنترل و نظارتی اعمال کند. سال‌های متمادی گروه‌های رقیب خواستند که این دستگاه حساب‌های بانکی را که تریلیون‌ها تومان در آن سپرده شده، علنی کند، اما هرگز زورشان نرسید. تنها هنگامی که نزاع میان باندهای درون هیئت حاکمه تشدید شده است، هریک از روسای قوه قضائی گوشه‌هایی از فساد یکدیگر را برملا کرده‌اند. از فساد و دزدی‌های یزدی گرفته تا آملی لاریجانی و تازمتری نمونه آن دزدی‌ها و رشوه‌های کلان طبری، معاون لاریجانی و هم پرونده‌ای‌های او، که کوشیدند با ماجرای مرگ مشکوک منصوروی سروته قضیه را هم بیاورند. در جریان نزاع میان یزدی و لاریجانی وقتی که یزدی گوشه‌ای از فساد مالی آملی لاریجانی را برملا کرد، او برای ساکت کردن رقیب، تنها یک جمله گفت. «بنده سینه‌ام خزانه‌الاسرار اتهامات مجموعه‌ای از معاونان، قائم‌مقامان و آقازاده‌های مسئولان و شخصیت‌هاست» نزاع خاتمه یافت. اکنون هم در رأس این دستگاه

فساد تمام ارکان نظم حاکم را فراگرفته است

، رئیس، قاتل هزاران تن از مردم ایران قرار گرفته که سالها معاون این دستگاه دزد و فاسد بوده است. در همین دستگاه فاسد است که امروز بی‌سروصدا پرونده دزدی‌ها، قاچاق ارز و تملک مفت و مجانی مجتمع نیشکر هفت تپه توسط کارفرمای دزد و قاچاقچی، مختومه اعلام می‌شود.

ارگان‌های نظامی و پلیسی رژیم نیز که فقط به خامنه‌ای پاسخگو هستند و کسی حق دخالت در مسائل مالی آن‌ها و مؤسسات اقتصادی آن‌ها را ندارد، وضعیتی همانند دیگر ارگان‌های دستگاه دولتی دارند. وقتی که احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین رژیم، آشکارا از آن‌ها به‌عنوان برادران قاچاقچی نام برد، ناخواسته اوج فساد درونی این ارگان‌ها را علنی کرد.

نهاد روحانیت یکی دیگر از دستگاه‌های فاسد و اشاعه دهنده فساد در دولت دینی است. سران این دستگاه که قدرتشان گاه بیش از مقامات دولتی است، گذشته از امکاناتی که به‌عنوان نهادهای مذهبی برای دزدی و ثروت‌اندوزی دارند، هم‌ساله با دریافت هزاران میلیارد تومان رشوه از سرمایه‌داران و تمام دزدان و غارتگران، به‌عنوان پشتیبان و حامی آن‌ها عمل می‌کنند. سال‌ها پیش که ماجرای رشوه‌های کلان جزایری به کربوبی بر ملا شد، در ظاهر پدیده جدیدی بود، اکنون اما چنان عمومیت‌یافته که باید استثنائات آن را پیدا کرد. امروزه حتی وقتی که این رشوه‌ها و زد و بندها خیلی که سر و صدای آن‌ها بلند شود، به‌سادگی آن را هدیه می‌نامند. رسوایی فساددستگاه مذهبی اکنون با ماجرای رشوه‌های کلان غسل میلیاردی، مالک تک ما کارون به سران دستگاه مذهبی از نمونه علی‌رضا پناهیان و مصباح یزدی تا به آنجا علنی شده است که حتی چاکران همین نظام پوسیده، امثال احمد توکلی می‌نویسند که سرمایه‌داران "شبکه بزرگ و تودرتویی از ارتباطات با مسئولان عالی‌رتبه و روحانیون سرشناس" دارند و از نقشی صحبت می‌کند که "جن‌گیرها و کهانت ورزان" فاسد در سال‌های اخیر در اتخاذ تصمیمات مرموزانه و ناکارآمد ساز و جورافزای برخی از مسئولان و سرشناسان داشته‌اند. "گویا ایشان تازه به کشف جدیدی نائل شده است! این نظام از آغاز همین بوده که امروز هست. چیزی که جدید است، تمام کند و کثافت دولت دینی کاملاً به سطح آمده، تا جایی که اکنون حتی بر عقب‌ماندترین اقشار جامعه نیز آشکار شده است.

دستگاه قضائی فاسد رژیم بیهوده تلاش می‌کند با جنجال‌آفرینی و محکوم کردن چند نفر، آن را مبارزه با فساد جایزند. نظم حاکم بر ایران سرتاپا از بالا تا پایین غرق در فساد است. راه علاجی هم برای آن نیست، مگر آنکه تمام این نظام از بیخ و بن ویران گردد و بی‌تردید چنین خواهد شد.



ضرورت گسترش مبارزات پرستاران و اهمیت حمایت از آن‌ها

نمی‌شود با دیر پرداخت می‌شود و یا ناچیز هستند. جدا از این مساله فشار کاری از معضلات بسیار مهم تمامی پرستاران است. مساله مهم این است که کمبود پرستار به دلیل نبود پرستار نیست، بلکه علت آن پایین بودن دستمزد و عدم استخدام پرستار است به نحوی که برخی از پرستاران شرکتی با گسترش شیوع کرونا با پایان یافتن قراردادهای ۸۹ روزه قید کار کردن را به‌رغم نیازهای شدید مالی به دلیل پایین بودن دستمزد زدند.

واقعیت این است که سیاست جمهوری اسلامی در مورد پرستاران جدا از دیگر سیاست‌های آن نیست. سرنوشت تمامی کارگران و زحمتکشان به هم گره خورده است. سرنوشت پرستاران همان سرنوشت بازنشستگان، معلمان و کارگران است و تنها این کارگران و زحمتکشان هستند که با مبارزات خود می‌توانند شرایط را تغییر داده و آینده خوب و زیبایی برای خود و فرزندان‌شان تأمین کنند. مبارزات بازنشستگان تأمین اجتماعی در ماه‌های اخیر یک نمونه روشن است. این که تنها در کف خیابان و تنها با اعتراض و اعتصاب، کارگران و زحمتکشان می‌توانند به حق خود دست یابند.

بنابراین پرستاران برای دستیابی به خواست‌های خود در ابتدا نیازمند تشکل مستقل پرستاران هستند که بتوانند اتحاد خود را مستحکم ساخته و مبارزات متشکل خود را گسترش دهند. پرستاران همچنین به اتحاد با سایر کارگران و زحمتکشان نیازمند هستند چرا که آن‌ها در مهم‌ترین خواست‌ها با دیگر زحمتکشان جامعه مشترک هستند. همگان از دردی مشترک رنج می‌برند این واقعیت امروزی جامعه است. در عین حال یک موضوع که نباید فراموش شود، اهمیت حمایت از مبارزات و خواست‌های پرستاران است. حمایت از مبارزات و خواست‌های پرستاران توسط کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه تاکنون کم رنگ بوده است که جا دارد بویژه در شرایط کنونی که پرستاران به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا از سویی در شرایطی بسیار سخت و طاقت‌فرسا قرار دارند و از سوی دیگر اهمیت و نقش پرستاران برای تمامی آحاد جامعه آشکار گشته است، از خواست‌ها و مبارزات آن‌ها بیش از همیشه حمایت کرد.

روزها مجد میرزابیگی "رئیس کل سازمان نظام پرستاری" گفته بود: "بالغ بر ۶۰ تا ۷۰ درصد پرستاران مدت‌هاست که به دیدار خانواده‌های خود نرفته‌اند، تا بتوانند موجب قطع زنجیره انتقال ویروس کشنده کرونا شوند." به‌گفته‌ی پرستاران شیفت شب گاه تا ۱۸ ساعت طول می‌کشد و در روزهای تعطیل می‌تواند به ۲۴ ساعت برسد که بسیار سخت و گشونده است.

در حالی که به‌طور میانگین به ازای هر هزار نفر جمعیت کشور باید ۵ تا ۶ پرستار وجود داشته باشد در ایران این نسبت ۱/۵ به هزار نفر است. در کشورهای پیشرفته‌تر سرمایه‌داری برای هر هزار نفر ۱۰ پرستار وجود دارد. فشار بر پرستاران از سوی دیگر باعث کاهش کارایی آن‌ها و در نتیجه بالا رفتن ضریب خطا و پایین آمدن کیفیت ارائه خدمات به بیماران نیز می‌شود.

براساس پژوهشی در آمریکا در برهه‌ای دو ساعت به ساعت کار پرستاران اضافه شد که در نتیجه آن ۱۴ درصد خطای آن‌ها افزایش یافت. حال در نظر بگیرید که پرستاران در ایران هم ساعات کاری آن‌ها زیاد است و هم فشار کاری‌شان. کمبود پرستار در حدیست که به گزارش خبرگزاری ایلنا، پرستارانی که به صورت خفیف به کرونا مبتلا شده بودند، همچنان مجبور به کار و مراقبت از بیماران کرونایی بستری در بیمارستان‌ها بودند.

در ابتدای شیوع ویروس کرونا، پرستاران به دلیل پنهان‌کاری رژیم در مورد گستردگی شیوع ویروس کرونا، فیلم‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کردند که رژیم مانند همیشه با امنیتی کردن جو بیمارستان‌ها و حتی دستگیری تعدادی از آن‌ها، تا حدودی مانع ادامه پخش اخبار از بیمارستان‌ها گردید. این جو امنیتی همچنین در مورد خواست‌ها و اعتراضات پرستاران نیز وجود دارد و پرستاران به دلیل ترس از اخراج و غیره در بیان خواست‌های‌شان محتاط هستند.

اگرچه حقوق پرستاران رسمی بیمارستان‌های دولتی و دستمزد پرستاران شرکتی و بخش خصوصی متفاوت است اما در مجموع با توجه به این که خط فقر حداقل به ۱۲ میلیون تومان رسیده، دریافتی عموم پرستاران زیر خط فقر می‌باشد. همچنین مزایای پرستاران همچون کارانه و حق کرونا در تمامی بخش‌ها یا پرداخت

تکذیب

اخیراً در شبکه‌های اجتماعی خبری توسط یک خبرنگاری انتشار یافته که در آن آمده است: نجمه (نادیا) میر آخورلی به اتهام عضویت در سازمان فدائیان (اقلیت) در شعبه ۲۸ دادگاه‌های رژیم به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

به اطلاع می‌رسانیم که نجمه (نادیا) میر آخورلی، هیچگاه عضو سازمان فدائیان (اقلیت) نبوده است.

البته در ایران و شبکه‌های اجتماعی افراد و گروه‌هایی خود را هوادار سازمان می‌دانند، اما فقط آن گروه‌هایی مورد تأیید سازمان است که رسماً مورد تأیید کمیته داخل کشور سازمان قرار گرفته باشند.

"شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"

شعار نوشته های متنوع، یکی دیگر از ویژگی های مهم جمعیت سراسری ۷ بهمن بود. استفاده از این شیوه های موثر، سبب شد تا صدای اعتراض بازنشستگان در تجمع ۷ بهمن، با سر دادن "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان" و "فریاد فریاد از این همه بیداد" رساتر از گذشته در سرتاسر ایران طنین انداز شد.

طنین آوای "فریاد فریاد از این همه بیداد"، سال هاست که در اجتماعات بازنشستگان شنیده می شود، بیدادی که نه فقط بر بام خانه بازنشستگان تأمین اجتماعی، که سال های متمادی است بر بام و سفره کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایران نشسته است. ظلم و ستمی که هزاران بازنشسته زحمتکش در جمعیت سراسری ۷ بهمن، متحد و یکپارچه برای رهایی از آن، همدل و هم صدا شدند. این هم آوایی بازنشستگان تأمین اجتماعی، زمانی به اوج رسید که آنان در کنار شعارهایی نظیر "فریاد فریاد، از اینهمه بیداد"، "کشورمون تو گنججه، بازنشسته تو رنجه"، "ظلم و ستم کافیست، سفره هامون خالیست"، "اندوختمون کجا رفت، به جیب زالوها رفت"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، یکی از فوری ترین و مبرمترین مطالبات خود را فریاد زدند. مطالبه و خواستی عمومی که در قالب "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان" بلندتر از هر زمان دیگری تجلی یافت.

بازنشستگان تأمین اجتماعی، سال های متمادی ست که فریادشان از تنگناهای شدید اقتصادی و معیشتی بلند شده است. آنان، سال هاست که به انحاء مختلف بی عدالتی، تنگدستی و خالی شدن سفره هایشان را فریاد می زنند. سال هاست، مطالبات آنان از جمله "همسان سازی حقوقی" و "داشتن بیمه کارآمد" بی پاسخ مانده است. سال هاست، خواست ها و مطالبات بر حق آنان، با وعده و وعده های توخالی مسئولان حکومتی مواجه شده است. دهه های متمادی است که دولت جمهوری اسلامی در شنیدن و پاسخگویی به مطالبات آنان، خود را به کری و کوری زده است.

حال بر بستر این بی توجهی مطلق چندین و چند ساله هیئت حاکمه ایران نسبت به معیشت و درمان و بهبود شرایط زندگی بازنشستگان تأمین اجتماعی، آنان به تجربه دریافته اند که تحقق مطالبات شان، جز با حضور اعتراضی پر رنگ و پر شمار آنان در کف خیابان ها ممکن نخواهد بود.

چهار تجمع اعتراضی پر شور آنان در دو ماه گذشته -آنهم در دوران پر خطر کرونایی- نشان روشنی از عزم و اراده سترگ بازنشستگان برای تحقق مطالبات عاجل و ضروری شان است. عزم و اراده ای که با طنین شعار "فقط کف خیابون، بدست میاد حقون"، با جمعیت سراسری ۲۳ آذر کلید خورد، در ۱۴ و ۲۱ دی ماه ۹۹ تکرار شد و اکنون در جمعیت سراسری و پرشکوه ۷ بهمن، با بیان "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان" تجلی بیشتری یافته است.

در تأیید و حمایت تجمع سراسری بازنشستگان، سندیکای کارگران هفت تپه در اطلاعیه خود ضمن اعلام پشتیبانی از اعتراض سراسری بازنشستگان نوشت: "در روز ۷ بهمن ماه، دستهبانان را متحدانه به هم گره خواهیم زد و یکصدا فریاد خواهیم زد، زندگی شایسته و انسانی حق ماست. شادی، رفاه، آسایش، امنیت، تفریح، داشتن امکانات و معیشت

برای یک زندگی مرفه همراه با استانداردهای جهانی حق ماست. روز ۷ بهمن ماه، دست در دست هم برای رسیدن به خواست های مان تجمع خواهیم کرد تا یک بار دیگر نشان دهیم که ما خواستار جامعه ای عاری از ستم و استثمار، عاری از تبعیض و نابرابری ها هستیم".

اعتراضات سراسری هفتم بهمن ماه، در شرایطی سازماندهی شد که هیئت حاکمه ایران نسبت به سه تجمع قبلی آنان، دست کم به شکل ظاهری نشان داد که برای اینگونه تجمعات اعتراضی اهمیتی قائل نیست. اما با اعلام فراخوان "گروه اتحاد بازنشستگان" برای انجام چهارمین تجمع سراسری ورق برگشت. دولت جمهوری اسلامی که تا پیش از این، نسبت به مطالبات بازنشستگان خود را بی تفاوت نشان می داد، اینبار زنگ خطر را شنید و در اقدامی توطئه آمیز به مقابله با چهارمین فراخوان برگزاری تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی برخاست. خطر برگزاری چهارمین تجمع سراسری، زمانی برای دولت جدی شد که چندین تشکل و گروه کارگری از جمله سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادیه آزاد کارگران ایران با صدور اطلاعیه های جداگانه ضمن حمایت از برگزاری تجمع اعتراضی کارافتادگان و بازنشستگان تأمین اجتماعی، از خواست ها و مطالبات آنان نیز اعلام پشتیبانی کردند.

عزم و اراده مصمم بازنشستگان تأمین اجتماعی در برگزاری گسترده چهارمین تجمع سراسری و اعلام پشتیبانی تشکل ها و گروه های کارگری از این تجمع، دولت جمهوری اسلامی را بر آن داشت تا با توسل به امکانات تشکل زرد و دولتی "خانه کارگر" در میان بازنشستگان تردید و انشقاق و دو دلی ایجاد کرده و از این طریق، آنان را از حضور پر رنگ در تجمعات سراسری ۷ بهمن باز دارد.

لذا، تشکیلات حکومتی "خانه کارگر" با صدور اطلاعیه ای جداگانه، بازنشستگان تأمین اجتماعی را به یک تجمع اعتراضی در روز ۶ بهمن فراخواند. در پی فراخوان تشکل حکومتی "خانه کارگر" و به رغم به کارگیری آنان از همه امکانات دولتی و تبلیغات حکومتی برای انجام این تجمع در عمل اما تنها جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی به همراه بازنشستگان کشوری و لشکری در تهران و دو شهر قزوین و زنجان تجمع کردند. تجمع تهران در مقابل سازمان برنامه و بودجه و تجمعات محدود قزوین و زنجان نیز در مقابل استانداری شکل گرفت. در تهران، مجد نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه با حضور و سخنرانی در جمع گروهی از بازنشستگان، حل مشکل آنان را به مجلس شورای اسلامی حواله داد. رسانه های حکومتی نیز با انتشار تصاویر و گزارش برگزاری این تجمع دولتی و نیز با استفاده از تیترهایی همچون "درهای باز سازمان برنامه و بودجه بر روی بازنشستگان" باز است، با بزرگ نمایی صفوف بازنشستگان در تجمع دولتی "خانه کارگر" تلاش کردند تا بازنشستگان تأمین اجتماعی را از برگزاری تجمعات سراسری ۷ بهمن جز حذر دارند. توطئه "خانه کارگری ها" اما با واکنش سریع، به موقع و هوشیارانه "تشکل مستقل بازنشستگان تأمین اجتماعی" مواجه شد. تشکل مستقل بازنشستگان بعد از فراخوان "خانه کارگر"، با صدور یک اطلاعیه تکمیلی در روز ۳ بهمن نوشت: "چندین سال است

که ما بازنشستگان، از کار افتادگان و مستمیری بگیران تأمین اجتماعی با فریادهای خود؛ خواهان افزایش حقوق و دیگر خواسته های برحق خود می باشیم. در این میان، کسانی که خود را نمایندگان ما می دانند با فریب و تزویر، هر روز در تلاش بوده اند و هستند تا با شیوه هایی همچون نامه نگاری و پتیشن، اعتراضات ما را خاموش کنند... ما ضمن محکوم کردن این اهداف نفاق افکنانه و استفاده ابزاری از بازنشستگان توسط خانه کارگر، اعلام می داریم هرچه باشکوه تر در تجمع ۷ بهمن شرکت کرده و وحدت سراسری بازنشستگان، از کارافتادگان و مستمیری بگیران رامستحکمتر خواهیم نمود. ما در این تجمع، یک صدا خواسته های خود را، که در راس آن ها "افزایش حقوق متناسب با نرخ تورم" است، فریاد خواهیم زد".

اطلاعیه تکمیلی "تشکل مستقل بازنشستگان تأمین اجتماعی" و تأکید مجدد آنان برای حضور "هرچه با شکوه تر" در تجمعات ۷ بهمن، نه تنها بازار فراخوان "خانه کارگری ها" را از سکه انداخت، بلکه بازنشستگان و کار افتادگان و مستمیری بگیران تأمین اجتماعی در حرکتی هماهنگ، با شور و هیجان و یکپارچگی بیشتری در تجمعات سراسری ۷ بهمن حضور یافتند. حضوری پر رنگ و متحدانه که به گواه همه گزارش ها و تصاویری که از اجتماع روز هفتم بهمن بازنشستگان تأمین اجتماعی در تهران و متجاوز از ۲۰ شهر دیگر انتشار یافتند، تجمعات سراسری ۷ بهمن بسیار باشکوه تر و پر صلابت تر از از سه اجتماع قبلی آنان برگزار شد.

وقتی توطئه گری دولت جمهوری اسلامی در راه اندازی تجمعات حکومتی "خانه کارگری ها" در تهران و چند شهر دیگر با شکست مواجه شد، مقابله با اجتماعات سراسری ۷ بهمن در دستور کار هیئت حاکمه ایران قرار گرفت. یورش نیروی انتظامی به تجمع اعتراضی بازنشستگان در تبریز و ضرب و شتم آنان، نمونه ای از واکنش سرکوبگرانه جمهوری اسلامی نسبت به اجتماعات برحق بازنشستگان است که این اقدام سرکوبگرانه دولت نیز با واکنش سریع تشکل های مستقل کارگری از جمله گروه اتحاد بازنشستگان، تشکل مستقل بازنشستگان تأمین اجتماعی و سندیکای کارگران شرکت واحد در محکومیت "هجوم نیروی انتظامی" به تجمع بازنشستگان تبریز مواجه شد.

برگزاری موفقیت آمیز تجمعات سراسری بازنشستگان، از کارافتادگان و مستمیری بگیران تأمین اجتماعی در روز ۷ بهمن و طرح مطالبات آنان با شعارهای اعتراضی و افشاگرانه، جملگی بیانگر عزم و اراده سترگ آنان برای پیگیری و تحقق مطالبات شان است. مطالبات برحق که اکنون به طور موجز در فوری ترین و عاجل ترین مطالبه آنان یعنی "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"، تجلی یافته است.

پوشیده نیست که وضعیت کنونی بازنشستگان تأمین اجتماعی، آینه تمام نمایی از سطح معیشت و مشقات زندگی اکثریت قریب به اتفاق کارگران و عموم توده های مردم ایران است. بازنشستگان تأمین اجتماعی با سال ها تلاش و کار و تولید، اکنون داشتن یک زندگی انسانی و شرافتمندانه فریاد می زنند. بی تردید برخورداری از رفاه و آسایش و امنیت، حق مسلم آنان است. شادی، تفریح، آرامش و برخورداری از یک معیشت مناسب برای گذران یک زندگی خوب و بی دغدغه بخشی از حقوق اولیه آنان است. با این همه در حاکمیت جمهوری



"شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"

اسلامی، آنان نه تنها از داشتن یک زندگی خوب و مناسب در دوران بازنشستگی و کهولت سنی بی بهره اند، بلکه از حداقل های رفاه و آرامش و امنیت و شادی و تفریح نیز برخوردار نیستند. نه تنها معیشت و درمان شان به راه نیست، نه تنها تسهیلات و امکاناتی برای گذران حداقل های زندگی شان فراهم نیست، بلکه سفره شان تهی و درمان شان نیز با رنجی روزافزون، توامان شده است. معیشت و درمانی که اکنون به ساده ترین شکل موجود در بیان "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"، خلاصه شده است.

پوشیده نیست تمام شعارهای افشاگرانه و مبارزاتی بازنشستگان، از کارافتادگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی، ابزار و وسیله ای برای تحقق همین شعار مطالباتی آنان است. اینکه بازنشستگان مدام در تجمعات خود فریاد می زنند، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، این کدام حق است که آنان این چنین مطالبه آن را فریاد می زنند. اینکه بازنشستگان، در هر تجمع اعتراضی خود هر بار پر طنین تر از پیش نهیب می زنند، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، این کدام حق است که این چنین "پر طبل تر از حیات" در هر اجتماع آنان طنین انداز است. آیا غیر از این است که آنان برخوردار از یک معیشت و درمان مناسب را حق مسلم خود می دانند. اینکه سندیهای کارگران هفت تپه در اطلاعیه حمایتی خود از برگزاری تجمعات سراسری ۷ بهمن نوشته است: "شادی، رفاه، آسایش، امنیت، تفریح، داشتن امکانات و معیشت برای یک زندگی مرفه همراه با استانداردهای جهانی حق ماست"، همان مفهومی ست که به روشن ترین وجه ممکن در بیان موجز "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان" تجلی یافته است. شعاری که در شرایط کنونی، مبارزه برای تحقق آن، نه فقط برای بازنشستگان تامین اجتماعی، بلکه برای کارگران و عموم توده های مردم ایران به امری عاجل و ضروری تبدیل شده است. در این میان اما جای یک پرسش کلیدی خالی است. و آن اینکه آیا طرح مطالبه "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"، به تنهایی و بی توجه به شرایط سیاسی حاکم بر جامعه کافی ست؟

تجربه صدساله مبارزات کارگران و توده های مردم ایران به روشنی نشان داده است که بدون کسب آزادی های سیاسی، بدون رهایی از نظم طبقاتی موجود و در نهایت بدون کسب قدرت سیاسی طبقه کارگر، رسیدن به شادی، رفاه، درمان، آسایش، امنیت، تفریح و در نهایت داشتن امکانات معیشتی مناسب برای یک زندگی مرفه، دست کم در ایران اگر نگوییم ناممکن، امری بسیار دشوار است. بیان روشن و صریح این امر آیا بدان معناست که برای تحقق مطالبه "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"، نباید مبارزه کنیم؟ باید دست روی دست بگذاریم و هرچه بیشتر در فقر و فلاکت فرو رویم؟ ایدا اینگونه نیست. نه تنها اینگونه نیست، بلکه دقیقاً برعکس است. در شرایط کنونی برای تحقق "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"، نه تنها باید مبارزه کرد، نه تنها بیشتر از پیش باید جنگید، نه تنها باید بر شعار مبارزاتی "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون" جامه عمل پوشاند، بلکه لازم و ضروری ست با بسیج گسترده

دستگیری های گسترده در کردستان، ضرورت اقدام جمعی بر علیه آن!

طی دو هفته اخیر موج جدیدی از دستگیری فعالین سیاسی و اجتماعی در شهرهای کردستان توسط اداره اطلاعات رژیم براه افتاده و همچنان ادامه دارد. طبق گزارش ها تاکنون آمار دستگیرشدگان به ۱۰۰ تن رسیده است. دستگیری ها همراه با خشونت صورت گرفته و وسائل شخصی آنها از جمله لپ تاپ و موبایل و غیره ضبط شده است.

دستگیرشدگان ساکن شهرهای مهاباد، بوکان، میوان، سنندج، ریط، سردشت، سروآباد، پیرانشهر، نقده و... هستند و رژیم تاکنون هیچ دلیلی برای این بازداشت ها و محل نگهداری افراد بازداشت شده ارائه نکرده است. خانواده های دستگیرشدگان از سرنوشت و از محل نگهداری عزیزانشان بی خبر هستند. این اقدامات در ادامه سیاست ارباب و تهید رژیم در سراسر ایران، همزمان با اعدام ها و تشدید فشار در زندان ها بر فعالین سیاسی و اجتماعی، صدور احکام طولانی مدت برای بازداشت شدگان سیاسی در بیدادگاه های رژیم است.

در مورد موج دستگیری های اخیر در کردستان، رژیم سکوت اختیار کرده و از هرگونه اطلاع رسانی سر باز می زند. اما واقعیت این است که دلیل این دستگیری ها، صرف نظر از هر سناریویی که رژیم در حال سرهم بندی کردن آن باشد، از جمله اقدامات پیشگیرانه در برابر خطر به حرکت درآمدن امواج اعتراضات و نارضایت های مردمی است. جمهوری اسلامی می داند که کردستان به دلایل مختلف یکی از کانون های فوران خشم و نفرت توده های مردم معترض خواهد بود، از این رو به خیال خود می خواهد دست پیش بگیرد. به سراغ جوانان پر شور، فعالین و چهره های سرشناس جنبش های اجتماعی و حتی شهروندان عادی می رود و به بهانه های واهی آنها را بازداشت می کند، تا از این طریق فضای ترس و سکوت را بر جامعه حاکم سازد. مبارزات سیاسی و اجتماعی در کردستان، طی سال های اخیر علیرغم تهدیدها و بگیر و ببندها روندی رو به رشد داشته است و همین واقعیت در شرایط کنونی رژیم را بیش از پیش نگران کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی به دلیل جنایات ۴۲ ساله اش، به دلیل به قهقرا بردن جامعه ایران و به دلیل تشدید مصائب جامعه سرمایه داری، بیکاری، فقر، اعتیاد و دهها آسیب اجتماعی دیگر، مورد نفرت توده های مردم است و چنین رژیمی جز با سرکوب و کشتار امکان بقا ندارد. این رژیم که از سایه خود نیز می ترسد، می داند که در چه محاصره ای از بحران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی گرفتار شده است. این رژیم از خشم انباشته شده مردم آگاه است و می داند که چگونه کارد را به استخوان مردم رسانده است. با فروکش کردن بحران کرونا، رژیم انفجار این خشم را انتظار می کشد، از این رو با تشدید فضای امنیتی تلاش می کند وقوع آنرا به عقب باندازد. اما این تلاش ها دیگر بی فایده است. امروز در کنار اعتصابات و اعتراضات کارگری برای مطالبات روزمره، در سراسر ایران، فعالین کارگری، دانشجویان، زنان مبارز، روشنفکران و هنرمندان پیشرو، وکلای دادگستری و فعالان محیط زیست، جسورانه، آشکارا در برابر رژیم ددمنش سینه سپر می کنند و رنج دستگیری، زندان و شکنجه را بر خود هموار می سازند، اما از پای نمی نشینند. جمهوری اسلامی به عیب میکوشد با اینگونه اقدامات، جامعه بیدار شده ایران را خاموش سازد.

باید جلو گسترش موج این دستگیری ها را سد کرد و همزمان به یاری جوانان در بند جمهوری اسلامی شتافت. نبیستی اجازه داد انسان هایی که به خاطر فعالیت های مدنی، به دلیل دفاع از عقاید و باورهایشان، به خاطر اعتراض به نابرابری و تبعیض، یا حتی بدون دلیل و تنها به خاطر مرعوب ساختن دیگران، به زندان افتاده اند، خود را تنها احساس کنند.

پژواک صدای اعتراض مردم در بیرون زندان ها، نیروی مقاومت و اراده زندانیان سیاسی در پشت میله های زندان را صد چندان خواهد کرد. ضروری است خواست آزادی فوری همه دستگیرشدگان روزهای اخیر و آزادی کلیه زندانیان سیاسی، به خواستی توده گیر تبدیل شود. در این روزها بویژه ضروری است که خانواده های دستگیرشدگان را تنها نگذاریم. در اعتراض آنها به دستگیری ها و در تلاش آنها برای کسب اطلاع از سرنوشت عزیزانشان شریک شویم. در خارج کشور نیز باید با انجام اقداماتی که با شرایط شیوع کرونا امکان پذیر باشد، جمهوری اسلامی را برای آزادی فوری بازداشت شدگان، تحت فشار بگذاریم. جریانات سیاسی ترقی خواه، اتحادیه های کارگری، شخصیت ها و چهره های خوشنام بین المللی، فعالان حقوق بشر می توانند در متن یک کمپین سراسری با ما همراه شوند.

کلیه زندانیان سیاسی، بدون قید و شرط آزاد باید گردند!
سرتگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم! - ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

جاری کارگران، بازنشستگان تامین اجتماعی و عموم توده های مردم ایران برای تحقق "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"، همواره با چشم انداز رهایی سیاسی و در هم آمیختگی مبارزات کنونی با بر چین کامل نظم موجود معنا و مفهومی انقلابی خواهد یافت.

بازنشستگان، کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایران پیگیرتر و پر صلابت تر از هر زمان دیگری برای تحقق "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"، به مبارزه در کف خیابان ها روی آوریم. در این کشاکش مبارزات روزانه، مهم اما این است که هرگز فراموش نکنیم و بدانیم که مبارزات

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 906 february 2021



"شعارمان این زمان، معیشت است و درمان"

"شعارمان این زمان، معیشت است و درمان" بازنشستگان تامین اجتماعی در دو ماه گذشته با شعار محوری "فقط کف خیابون، بدست میاد حق مون"، چهار تجمع اعتراضی در مقیاس سراسری برگزار کرده اند. اولین تجمع اعتراضی آنان در تاریخ ۲۳ آذر ۹۹ و چهارمین تجمع آنان نیز روز ۷ بهمن به طور همزمان در سراسر کشور برگزار شد. تهران، کرج، قزوین، مشهد، اهواز، اراک، ساری، خرم آباد، ایلام، رشت، اصفهان، تبریز، کرمان، سمنان، کرمانشاه، شوش، نیشابور، دزفول، یزد و همدان از جمله شهرهای بودند که صدای اعتراض بازنشستگان پر شکوه تر از تجمعات قبلی طنین انداز شد.

فراخوان تجمعات اعتراضی ۷ بهمن که از سوی تشکل‌های مستقل بازنشستگان و با حمایت ده ها نهاد کارگری، دانشجویی و فرهنگی اعلام شده بود، با حضور پر شمار تعداد زیادی از بازنشستگان، از کارافتادگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در تهران مقابل وزارت کار و تامین اجتماعی و در بیش از ۲۰ شهر ایران در مقابل ادارات دولتی

برگزار شد.

از ویژگی‌های این دوره از تجمعات اعتراضی بازنشستگان، خصوصاً تجمع ۷ بهمن، وحدت و یگانگی بیشتر، حضور پر شمار زنان فعال در اعتراضات اخیر، افزایش پشتیبانی گروه‌ها و تشکل‌های کارگری، فرهنگی و دانشجویی از مطالبات و تجمعات بازنشستگان بود. سازماندهی نسبتاً خوب اعتراضات کنونی در اغلب شهرها و به طور خاص بکارگیری بلندگوهای دستی همراه با انبوه

در صفحه ۸



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر
چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر
جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر
یکشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی